

# ارزیابی تأثیر بحران فراگیر کرونا در تمایل به استقرار دولت حداکثری و تحدید مشارکت شهروندان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

احسان آقامحمدآقایی\*: استادیار گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. eamaghaee@yahoo.com  
فتح‌الله رحیمی: استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## چکیده:

ایده «مشارکت همگانی مردم» در اداره امور کشور، از جمله تدابیر حقوق عمومی است که جز در سایه حمایت و صیانت دولت و قانون اساسی، ره به مقصدی نمی‌برد. افزون بر این، «به رسمیت‌شناسی» یا «به‌جا آوردن» حق شهروندان در تعیین سرنوشت خویش، می‌تواند آغاز جریانی باشد که خود را در سیمای مشارکت همه‌جانبه مردم، بازمی‌نماید. در این میان، بیشتر دولت‌ها، به‌منظور ترغیب شهروندان به مشارکت عمومی، به بومی‌سازی و سازمان‌دهی حقوقی مشارکت در عرصه داخلی و بین‌المللی را روی آورده و دریافته‌اند که حضور و نقش‌آفرینی فزاینده مردم در راهبری جامعه، بیش از هر عامل ساختاری و هنجاری دیگری در پیشبرد اهداف دولت مؤثر خواهد بود. روش تحقیقی نوشتار حاضر، بر پایه تحلیل علت و معلولی داده‌ها و شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق، مبتنی بر مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای در راستای پاسخ‌دهی به فرضیه مطروحه در مقاله است. به نظر می‌رسد با تغییر اساسی اوضاع و احوال در جهان و نیز با قرار گرفتن در وضعیت اضطراری، از جمله همه‌گیری جهانی ناشی از پدیده کرونا، تغییر نگرشی، ولو ناگفته، در شیوه حکمرانی جهانی رخ نموده است. دولت‌ها با بیان اینکه حفظ جان و سلامت آدمی بر هر امر دیگر از جمله حق بنیادین مشارکت انسان برتری و رجحان دارد، سیاستی مبتنی بر رواداری محدودیت و ممنوعیت برای حضور آدمیان در اجتماعات و فضاهای عمومی را پیش گرفته‌اند. در فرجام مقاله، باید اشاره داشت که اتخاذ چنین سیاست‌هایی، در عین اینکه فرصت و حمایت تلقی می‌شود، می‌تواند تهدیدی جدی در مسیر مشارکت‌پذیری دولت‌ها، به شمار آید. مقاله حاضر، با تأکید بر بایستگی مشارکت شهروندان در جامعه، در پی ارائه تصویری از چرخش محسوس در الگوهای حکمرانی جهانی و تمایل به الگوی دولت حداکثری، متأثر از بحران فراگیر کروناست.

واژه‌های کلیدی: مشارکت همگانی مردم، وضعیت اضطراری، بحران فراگیر کرونا، تحدید مشارکت شهروندان، چرخش الگوهای حکمرانی، دولت حداکثری

۲۹

سال دهم - ویژه نامه

پاییز ۱۴۰۰

دوفصلنامه علمی پژوهشی



ارزیابی تأثیر بحران فراگیر کرونا در تمایل به استقرار دولت حداکثری و تحدید مشارکت شهروندان  
احسان آقامحمد آقایی

## Evaluating the Pervasive Impact of "Covid-19" Pandemic Crisis on Limitation of Public Participation and Tendency to Establish Nanny State

Ehsan Aghamohammadaghaee\*, Fatollah Rahimi

### Abstract

**Introduction:** The idea of "public contribution" in running domestic affairs is a measure of public rights which can be effective only under supports and protections of government and the Constitution. Additionally, "recognizing" or "fulfilling" the citizens' rights in determining their fate can lead to high public contribution and participation. In this vein, to encourage citizens for public contribution, most states try to localize and organize legal contributions in both national and international arenas and have found that people's increasingly presence and role in society's leadership is more effective than any other structural and normative factor in achieving government's goals.

**Method:** The present paper is based on cause-and-effect analysis of data while data collection technique is based on library and documents studies in order to answer research questions.

**Findings:** It seems that considering radical changes in global modes and current emergency conditions including Covid-19 pandemic, an attitudinal change – albeit untold – has happened in the world's ruling methods and practices. By expressing the fact that keeping human health and life take priority over any other issues including radical rights of human contribution, governments are now pursuing a policy based on limitation and prohibition of human contribution to social events and public places.

**Conclusion:** In conclusion, it should be noted that adopting such policies is a serious threat and reduces public contribution. By emphasizing the necessity of citizens' contribution in the society, the present paper attempted to provide an image on tangible transformation in global governance paradigms and tendency to Nanny State Model influenced by Covid-19 pandemic crisis.

**Keywords:** Covid19- Pandemic Crisis, Limitation of Public Participation, Nanny State, Public Participation.

مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و مدیریت امور خویش، به لحاظ نظری، جلوه‌هایی بسیار دارد. باوجوداین، چالش‌های اصلی نظریه مشارکت در حقوق عمومی، در وهله اول به پذیرش مشارکت همچون حق بنیادین بشری از سوی دولت و در وهله بعد، به چگونگی پیاده‌سازی این حق در جامعه بازمی‌گردد. در این مصاف، دولت به‌مثابه تشکلی مقتدر و مبتکر در نظر گرفته می‌شود که از آغاز تا پایان، جریان مشارکت شهروندان را هدایت می‌کند. از این‌رو، می‌توان گفت که دولت در هر حوزه‌ای از جمله مشارکت‌پذیری، پررنگ‌ترین نقش و بیشترین تأثیرها را دارد. تجربه عملی نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته، گواه آن است که میزان التزام دولت‌ها به پذیرش مشارکت شهروندان، افزون بر اینکه معیاری مهم در نسبت سنجی هر شکل از نظام سیاسی با الگوی حکمرانی مطلوب به شمار می‌آید، می‌تواند زمینه بیشترین میزان دخالت و انگیزش مردم در تعیین سرنوشت و سرشت خویش را فراهم آورد. به‌طور کلی، مشارکت همگانی شهروندان در جامعه، افزون بر وجود بسترهای قانونی و بالقوه که بازتاب آن در بند هشتم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی و نیز، اصول ششم، هفتم، هشتم و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمایان است، نیازمند ایجاد تحول و بازاندیشی در زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است؛ زیرا مشارکت فعالانه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، نخست در میزان آگاهی و شناخت آنان از هویت شهروندی خویش متجلی می‌شود، سپس در مداخله داشتن در اداره همه‌جانبه امور کشور و سیاست‌گذاری‌های کلان، عینیت می‌یابد. تحقق این

امر، یکسری از وظایف دولت است که در نوشتار حاضر، از آن به «فرآیند مشارکت‌پذیری» تعبیر می‌شود. در این هنگامه، همواره استثنائاتی قابل‌تصور است که می‌تواند قلمرو اعمال اصل‌ها را با تردید و توقف مواجه سازد. از میان این استثنائات، عالم‌گیری و همه‌گیری بیماری «کرونا» قابل اشاره است که همچون هجمه‌ای قهری بر پیکره جهان وارد شده حکمرانی جهانی را به شدت خود مشغول داشته است. به‌گونه‌ای که در تاریخ معاصر، دست‌کم از هفت دهه پیش، جهان چنین بی‌سلاح نشده بود. باید اذعان داشت که وقوع بحران‌های ناشناخته و مرموز در هر عرصه‌ای، امری است ناگزیر؛ با وصف این، به نظر می‌رسد که رهایی از چنین وضعیتی (وضعیت اضطراری) و چاره‌جویی برای آن، تماماً به رویکرد نظام سیاسی هر دولت-کشوری بستگی داشته باشد. تجربه عینی موجود، دست‌کم در یک سال اخیر، گواه آن است که گرایش جهانی نظام‌های سیاسی و دولت‌ها در این میان، به سمت الگویی از کنترل همه‌جانبه، شدید، محدودیت‌ساز و ممنوعیت‌مدار متمایل شده است و با بیان ترجیح سلامت و زندگی انسان بر هر امر دیگر، گفته یا ناگفته، راهی را به سوی ارائه الگوی حداکثری گشوده‌اند.

## گفتار اول - مبانی و چهارچوب نظری بحث

### نظریه حق تعیین سرنوشت

حق انسان بر تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش یا حق «خودخواستگی»<sup>۱</sup> به‌مثابه بنیاد مشارکت‌گرایی به شمار می‌آید.<sup>۲</sup> اگر دموکراسی را نه فقط بر مبنای حفاظت از منافع و به بیشینه رسانیدن آن که بر اساس حق تعیین سرنوشت افراد در تصمیم‌گیری‌ها تفسیر نماییم، آنگاه می‌توان چنین پنداشت که مردم زمانی بر خود حکومت می‌کنند

یا به دیگر تعبیر زمانی به مرحله «خودفرمانی فردی»<sup>۳</sup> می‌رسند که بتوانند به صورت فعال در تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر سرنوشت خود شرکت کنند؛ بنابراین، انسان‌ها یگانه موجودات عالم هستند که از حق تعیین سرنوشت خویش در کمال آزادی عمل، اختیار، خودمختاری و تکالیف شهروندی، برخوردارند. حقی که بنیاد آن در اصل کرامت انسان ریشه دارد. پس به عنوان یک اصل بنیادین، می‌توان گفت که «مشارکت حقی است که منشأ آن کرامت و شرافت ذاتی انسان است»<sup>۴</sup>. بر این اساس، انسان به مثابه موجودی که دارای کرامت انسانی، آزادی و اختیار و واجد ویژگی‌هایی چون: عقل، اراده و اندیشه مستقل و خلاق، قدرت سنجش و گزینشگری است؛ می‌تواند در تعیین سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کلان اجرایی - سیاسی و قضایی به طور فعال مشارکت جسته و واجد صلاحیت تام برای اداره امور خویش و حکمرانی بر جامعه‌ی خود باشد؛ بنابراین حق تعیین سرنوشت، چنان که از ذاتش برمی‌آید، یکی از جلوه‌های کرامت بخشی به شأن انسان است و ماهیتی از جنس حق دارد.<sup>۵</sup> به همین دلیل نیز، در پرتو نظریه حق‌های هوفلد<sup>۶</sup> و بدین معنا که «تمام افراد بشر مساوی خلق شده‌اند و هیچ‌یک از آن‌ها بر دیگری برتری ندارد، همه به نحو برابر از حق‌ها و آزادی‌ها بهره‌مندند و هیچ‌یک نمی‌تواند به بهانه نابرابری بر همنوعان خود مسلط شود»<sup>۸</sup>؛ قابل تفسیر و پردازش خواهد بود؛ بنابراین، بنیان نظریه حق تعیین سرنوشت، در پرتو مؤلفه‌هایی چون: خردورزی؛ مختار بودن؛ ادعای دخل و تصرف داشتن و مسئولیت‌پذیر یا مکلف بودن شهروندان در تعیین سرنوشت خویش و در برخی موارد با توجه به ضد آن تحلیل می‌شود.<sup>۱۰</sup>

## تعهدشناسی دولت در قبال حق مشارکت شهروندان

در گفتمان تعهدشناسی دولت و ساحت باور به تعهدات دولت در قبال حق مشارکت مردم یا فرآیندی که از آن به مشارکت‌پذیری تعبیر می‌شود<sup>۱۱</sup>، دامنه تعهدپذیری دولت در قوالبی چند همچون: «تعهد به احترام»<sup>۱۲</sup> یا «تعهد به شناسایی»<sup>۱۳</sup>؛ «تعهد به رفتار»<sup>۱۴</sup> یا «تعهد به حمایت»<sup>۱۵</sup> و «تعهد به ایفا»<sup>۱۶</sup> صورت‌بندی و از هم باز شناخته می‌شود.

پیرامون ماهیت تعهد دولت در مقام شناسایی و تضمین حق مشارکت شهروندان باید اشاره نماییم که دولت در مرتبه «تعهد به رفتار»، مشارکت‌پذیرانه، متعهد به انجام اموری و رعایت رفتارهایی مبتنی بر احترام به حق‌های بنیادین شهروندان است. همچنین دولت در «تعهد به احترام» و پاسداشت حق مشارکت شهروندان، موظف و متعهد به اجتناب از مداخله در آزادی و حق‌های مشارکتی شهروندان است؛ همچنین دولت در «تعهد به حمایت» و پشتیبانی از حق مشارکت شهروندان، متعهد و مکلف به منع دیگران از مداخله در اصل و بنیان آن حقوق است؛ و سرانجام، در «تعهد به ایفا» و اجرای حق مشارکت شهروندان، متعهد به انجام اقدامات ضروری در تأمین و تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندان در جهت مشارکت‌پذیری همگانی است.<sup>۱۷</sup> افزون بر آنچه راجع به گوناگونی ساحت تعهد دولت بیان شد، محور اصلی تعهداتش، در دو گونه کلی تعهد در به کارگیری امکانات خاص یا «تعهد به وسیله»<sup>۱۸</sup> و تعهد به ایجاد نتیجه مطلوب یا «تعهد به نتیجه»<sup>۱۹</sup> دسته‌بندی می‌شود.

در راستای تعهد به وسیله، دولت متعهد و مکلف است که با به کارگیری وسایل و امکانات خاص، به



تدارک محتوای حق‌ها برای افراد یا ذی‌حقان بپردازد؛ اما در تعهد دولت به نتیجه برخلاف تعهد دولت، در به کار گرفتن امکانات و وسایل (تعهد به وسیله)، تعهد و تکلیف دولت در برابر ذی‌حقان، تکلیفی قطعی و منجز بوده و به صرف فراهم‌سازی وسایل یا تدارک امکانات خاص برای شهروندان، دولت بری‌الذمه نخواهد شد. در این میان، با تفکیک دو گونه تعهد دولت به ایجاد نتیجه، گونه نخست تعهد دولت به نتیجه، شامل تعهد به نتیجه فوری است و گونه دوم تعهد دولت به نتیجه، تعهد به نتیجه رو به تزاید است که در این میان، دولت مکلف و متعهد به تأمین و تضمین امکاناتی برای کلیه شهروندان در جهت تحقق مشارکت‌پذیری فزاینده است، از این رو دولت وفق اسناد حقوقی بشردوستانه، مکلف است سعی و اهتمام خود را متعهدانه و با استفاده از بیشینه منابع موجود، به منظور ایجاد و تأمین نتایج رو به تزاید حق‌های شناخته‌شده شهروندان کار گیرد.<sup>۲۰</sup>

## تأملی بر فرآیند گذار از قدرت در الگوهای حکمرانی

### گذار از الگوی حکمرانی حداکثری

گذار از قدرت به تعبیری که گویای مسئله پژوهش باشد، به معنای گردش یا انتقال دوره‌های قدرت از دولت به شهروندان است، به نحوی که شهروندان در پیشبرد اهداف شهروندی خود به روش انتخابات همگانی در مدیریت سیاسی جامعه خویش، سهیم باشند. بر این اساس، انتقال قدرت، راه‌کاری است که می‌تواند به گردشی بودن قدرت همگان و در نتیجه افزایش میزان مشارکت شهروندان در جامعه بینجامد.<sup>۲۱</sup> در جهت تحقق این آرمان، دولت در گام نخست بخشی از اقتدار خود را به شهروندان و صاحبان واقعی قدرت تفویض می‌نماید<sup>۲۲</sup> تا بدین طریق از انباشت قدرت جلوگیری

کرده و راهی برای انتقال قدرت از دولت به شهروندان بازگشاید. باور به این تدبیر از سوی دولت‌ها از یک‌سو، به سرشکن شدن اقتدار حاکمیتی به سود گروه‌های شهروندی می‌انجامد و از دیگر سو، ساخت کاری کارآمد در مهار فساد ناشی از قدرت متمرکز خواهد بود. همچنین با توجه به عقیده فساد آوری قدرت و این گزاره تنبیهی که «قدرت فساد آور است و قدرت مطلق، فساد مطلق را موجب می‌شود»، به تعبیر فرانتس نویمان، مضمون فرمول دُرُخشان لرد آکتن که بیان می‌دارد: «قدرت تمایل به فاسد کردن دارد و قدرت مطلق، مطلقاً متمایل به فساد است»<sup>۲۳</sup>؛ چندان بدیع و ابتکاری نیست، بلکه بحث افلاطون در دیالوگ بیگانه آتنی با میگلوس در باب اینکه اگر به هر چیزی قدرت مطلق بدهیم چه پیامدهایی دارد، به مراتب عمیق‌تر از گفتار «آکتن» است. از این رو، می‌توان انتقال قدرت را الگویی مطلوب دانست که در به قدرت رسیدن نهادهای غیر حاکمیتی و شهروندی، نقشی مهم ایفا می‌کند. در این فرایند، دولت بارها کردن پاره‌ای از حوزه‌های تصدی‌گری خود، امکان مداخله شهروندان در اداره امور جامعه را پذیرا می‌شود.<sup>۲۴</sup>

از این رو یادآور می‌شویم که نظریه انتقال قدرت، به شکل مشخص در کدام‌یک از بسترهای نظری دولت، از نظریه دولت مطلقه تا مشروطه و سپس مشارکت‌پذیر پدیدار شده، در کدام بستر رشد و تداوم یافته و سرانجام در سپهر کدام نظریه فلسفی می‌تواند همچنان جریان یابد و منشأ اثرات شهروندگرایانه باشد. بالحاظ موارد یاد شده، به‌طور مشخص بحث خود را پیرامون این بررسی از پرتو دو الگوی حکمرانی و نظریه دولت حداکثری (مطلقه) و دولت حداقلی (مشروطه) پی می‌گیریم.

## استقرار الگوی حکمرانی حداقلی (ظهور دولت مشروطه)

نظریه دولت مشروطه در واکنش به قدرت فزاینده دولت و در هوای زدودن چهره مطلقه حاکمان پدید آمد. تاروپود نظریه مشروطه‌خواهی، حول اندیشه محدودیت قدرت تنیده شد؛ زیرا دولت را موجودی می‌دانست که طبعاً خواستار قدرت هر چه بیشتر است؛ بنابراین، به لحاظ تاریخی، ریشه‌های عمیق نظریه دولت مشروطه را در قرون میانه باید جست. مشخصه اصلی قرون وسطی محدودیت قدرت سیاسی بود. شهروندان، فراتر از دولت و قانون زنده نبودند. هانری براکتون از «نظریه‌ی نشأت قدرت و قانون از مردم» در خصوص دولت مشروط به قانون استفاده کرد؛ بدین معنا که شهروندان، تنها یکی از مراجع قدرت است.<sup>۲۵</sup> از این رو، همان گونه که دولت مطلقه از دل نظم سیاسی فئودالی و اشتدده‌شده در آمد، دولت مشروطه نیز برآمده از دولت مطلقه است.<sup>۲۶</sup> همچنین در اواخر قرن ۱۷ و با تفکیک میان وجوه خصوصی و عمومی حاکم، گام‌های بلندی در این جهت برداشته شد؛ بنابراین دولت به‌عنوان پدیده‌ای مستقل از اتباع و حکمرانان تعریف شد که حکمرانان باید به نام این «شخص مصنوع» و مشروع، حکمرانی کنند. این تفکیک، گذار از دولت مطلقه به مشروطه را تسهیل کرد.<sup>۲۷</sup> با گذار از شکل قدرت مطلقه به مشروطه، مهم‌ترین مسئله، تحکیم و تثبیت قدرت در چارچوبی شهروند بنیاد است. در این میان، الگوی مردم‌سالاری، مطلوب‌ترین و مطمئن‌ترین سازوکاری است که قدرت را تحت نظارت و کنترل دائم می‌گیرد. با وجود این، رایج‌ترین الگویی که قدرت به سوی آن تمایل دارد و مدام در بازگشت به آن است، مطلق‌گرایی و انباشت قدرت است. از طرفی، آرمان تمام نظام‌های

دموکراتیک آن است که قدرت را با سازوکارهایی چون: تأکید بر ارزش‌های انسانی، همچون مدارا و همچنین تأکید بر جلوه‌های متنوع آزادی نظیر آزادی در مشارکت و تصمیم‌گیری‌ها و بها دادن به اظهار نظرات جمعی، به گونه‌ای که هر شهروندی بتواند در اداره امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی خویش مشارکت کند، مهار کنند و از گستره آن بکاهند.<sup>۲۸</sup>

### الگوی حکمرانی مبتنی بر عاملیت شهروندان

در مقام شناسایی نظام‌های سیاسی که مبتنی بر خواست و عاملیت اراده شهروندان باشند، الگوهای «دموکراسی مستقیم» و «دموکراسی غیرمستقیم»، به‌عنوان الگوهای رسمی و دیرینه، شناخته می‌شوند. با وجود این، در نظریه‌های نوین مردم‌سالاری، سعی بر آن است تا با حفظ شیوه‌های سنتی الگوی دموکراسی مستقیم، راهی برای گذار به شیوه‌های تازه‌ای چون «دموکراسی ارتباطی/تله دموکراسی»<sup>۲۹</sup> فراهم آید؛ به طوری که شهروندان بتوانند در مدیریت کلان جامعه، از طریق فناوری‌های روز و ارتباطات از راه دور، در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش سهیم شده و مشارکت جویند. در میان چهار الگوی حکمرانی به نام الگوهای نماینده محور، مشارکت محور، شورا محور و گفتگو محور که موافقت و مراقت بیشتری با پذیرش نقش و جایگاه شهروندان در عرصه سیاسی و تصمیم‌گیری دارند، به‌مثابه الگوهای مبتنی بر عاملیت شهروندان شناخته می‌شوند.<sup>۳۰</sup> از این رو، به دو برداشت کلی از قدرت که بیان‌گر معانی دموکراتیک از قدرت و در حقیقت در مسیر تکوین اندیشه انتقال قدرت به مردم است، اشاره می‌کنیم:

### (الف) حق به‌مثابه پایداری در برابر قدرت

انگاره پایداری در برابر قدرت که امروزه برداشتی قدیمی از دموکراسی به شمار می‌رود، بیان‌گر آرمان





شهروندانی است که خاطره تاریخی قرن‌ها محدودیت و در قیدوبند بودن را به امید رهایی از قدرت و رستن از بند استبداد کهن، بر پیشانی دارند. در این قرائت، مردم با شور فراوان، خواهان ایجاد تضمین‌هایی در برابر حاکمان و در نتیجه آرزومند داشتن آزادی‌های مدنی و تأمین حق‌های فردی خود هستند. در این برداشت، شهروندان تنها از حق اعمال قدرت، آن‌هم در مقاطعی و با محدودیت‌هایی چند برخوردارند.<sup>۳۱</sup>

#### (ب) حق به‌مثابه به‌کارگیری قدرت

در این برداشت، حق مردم به معنای به‌کارگیری و اداره قدرت است. این قرائت دموکراتیک، خواست واقعی و عینی شهروندانی‌ی‌به‌تعبیر دقیق‌تر، حق‌مندان را به تصویر می‌کشد. در این معنا، مردم که دیگر آرمان‌گرایانه به پدیده قدرت، به‌منزله نیروی قاهر نمی‌نگرند: نیرویی افسانه‌ای که آن را محدود کرده و لازم است تا ابر قدرتی بیاید و این محدودیت‌ها را بگسلد؛ بلکه در این برداشت، مردم قدرت را تصاحب کرده‌اند و بر آن‌اند که با وجود موانع و مشکلات موجود، از تمام ظرفیت‌ها و امکانات موجود در ذات قدرت به نفع همگان بهره‌برداری کنند. در این میان، آنچه این دو برداشت را از هم متمایز می‌کند، نوع نگرش هر یک از آن‌ها به ارزش شخص انسان و جایگاه او به‌عنوان فرد صاحب حق و تکلیف است.<sup>۳۲</sup> در برداشت اخیر که قدرت به صاحب حق؛ یعنی حق‌مندان تعلق دارد و حاکمیت سیاسی جز تضمین آزادی مردم و ایجاد شرایطی برای مشارکت شهروندی چیزی نمی‌تواند باشد. در این باور، به‌عوض اینکه دولت، همچون موجودی انتزاعی و قراردادی که از درون آن حاکمیت سیاسی و زور و سلطه می‌جوشد، بنیاد قدرت باشد این مردم حق‌مند هستند که دایرمدار قدرت سیاسی هستند. در این نظریه، مردم نه تنها بر تصاحب قدرت نسبت به دیگران، از جمله دولت، حقانیت

و اولویت دارند که آن را به روشی مبتنی بر مشارکت معقول، منطقی نوبت به نوبت و در جهت خیر فرد فرد مردم که صاحبان حق حاکمیت و قدرت سیاسی‌اند، به خدمت می‌گیرند.<sup>۳۳</sup>

### گفتار دوم - بروز وضعیت بحرانی به‌مثابه چرخش الگوهای حکمرانی

#### چیستی بحران

بحران، معضل، مسئله یا مشکل، الفاظی مشترک برای معانی متعددی است. صرف‌نظر از بُرد معنایی واژه‌ها، پاسخ به پرسشی پیرامون چیستی بحران را به لحاظ گستردگی و فشردگی مفهومی واژه، از دو منظر پی می‌گیریم:

#### (الف) برداشت کلی

انسان خاستگاه وجودی و نقطه آغاز هر بحران است. در واقع بروز و فقدان معضل به وجود انسان به‌عنوان کنشگر سیاسی مرتبط است. به عبارتی، هر جا انسان هست، مناسبات سیاسی نیز هست و در نتیجه، بحران هم محمل وجودی می‌یابد. از این رو ظهور و فقدان بحران‌ها یا درجه شدت و ضعف آن‌ها در ساختار سیاسی دولت‌ها را، در نوع کنش میان دولت با شهروندان می‌توان دانست. برای چرایی این امر، باید اشاره داشت که برون‌رفت از وضعیت بحرانی، تنها در شرایطی حادث می‌شود که میان شهروندان و دولت، فضایی سرشار از اعتماد و تفاهم به وجود آید. پیامد ایجاد اعتماد در گستره ملی، به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در نظام می‌انجامد که این عامل خود به ثبات قدرت و مصونیت نظام سیاسی از آسیب‌های اجتماعی و معضلات گوناگون سیاسی - اجتماعی یاری می‌رساند.<sup>۳۴</sup>

#### (ب) برداشت تخصصی

در نظرگاهی دقیق و باریک‌اندیشانه به موضوع بحث،

می‌باید این واقعیت را پذیرفت که بستر اصلی وقوع بحران در حیات جوامع، در مفهوم شاخص آن؛ یعنی در حوزه‌های اخلاق، سیاست و عمل حکمرانی گسترانیده شده است. در یک تحلیل ساده، باید اذعان داشت که نوع سلوک و رفتار دولت با شهروندان، مهم‌ترین عامل وجودی یا فقدان بحران در عرصه سیاست داخلی و تعیین‌کننده بسیاری از مسائل، از جمله تعیین سیاست خارجی و امنیت ملی است که بالقوه می‌توانند بحران‌زا باشند.<sup>۳۵</sup> به بیانی دیگر، چنانچه معضلات کوچک رفع یا حل نشوند، می‌توانند مسائل و معضلات بزرگ‌تر و کلان را دامن زنند. در چنین شرایطی، طبیعی است که حل و فصل مشکلات و نابسامانی‌های سیاسی و اخلاقی، هسته فکری بزرگ و سرمایه مادی هنگفت برای جبران می‌طلبد.

### پدیدارشناسی بحران

افزون بر بررسی معنایی-مفهومی معضل، لازم است تا شناخت عمیق‌تری از پدیده معضل حاصل شود؛ بنابراین، برای درک بیشتر مسئله، لازم می‌آید که قدری به جنبه‌های عینی آن توجه نمود. از این رو، بحران را امری فرازمانی و فرامکانی می‌توان دانست که در هر زمینه و بستری، امکان تحقق داشته و دارد. در تحلیل بیشتر مسئله، به نظر می‌رسد با ظهور هر گفتمان جدید، طیفی از معضلات در حوزه عمومی رخ می‌نمایند که به سرعت بر روابط دولت با شهروندان تأثیر خواهند گذارد و پیامد مستقیم این امر نیز، در دو شاخص خود را نمایان می‌سازد: یکی در میزان کارآمدی و مشروعیت دولت و دیگری در میزان اعتماد و رضایت‌مندی شهروندان از دولت.<sup>۳۶</sup> با وجود این، بحران‌ها اغلب در شش سطح کلان، تأثیراتی را بر جای می‌گذارند که در مقاله حاضر به برخی از آن‌ها به دلیل تأثیرشان در مشارکت شهروندان، می‌پردازیم:

### (الف) بحران هویت

عامل اصلی در بروز بحران هویت در جامعه سیاسی، تعارض میان وابستگی‌های قومی، قبیله‌ای و نژادی با تعلقات ملی است. در حقیقت مشکل هویت زمانی بروز می‌کند که شهروندان احساس کنند که به‌طور مناسب در درون قلمرو حاکمیت قرار نگرفته‌اند. تا جایی که این احساس ناخوشایند را در قلمرو سرزمینی، در ساختار اجتماعی و تقسیمات طبقاتی، در تعارضات موجود میان اقوام و سرانجام در احساسات دوگانه نسبت به بیگانگان با خود به همراه دارند.<sup>۳۸</sup> نظام‌های سیاسی از جمله نظام سیاسی ایران، با شیوه‌هایی چون: اصلاح ساختارهای اجتماعی؛ ادغام سازی و آشتی دادن علایق نژادی- قبیله‌ای با علایق ملی و نیز، برقراری تعامل سازنده میان اقوام و نسل‌ها، می‌توانند سیاست داخلی خود را ترمیم و از این طریق بحران‌های هویتی- شناختی نسل‌ها، به‌ویژه نسل‌های جوان را چاره‌جویی و مدیریت نمایند.<sup>۳۹</sup>

### (ب) بحران نفوذ

ساختارهای موجود در هر نظام سیاسی، می‌باید دارای چنان قابلیت جذبی و ظرفیت‌هایی باشد که تمام گروه‌ها را در خود جای دهد و از انزال سیاسی و انفعال حکومت شوندگان، پیشگیری کند. در حقیقت به‌عنوان اصلی مسلم، دولت‌ها موظف به فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای اطمینان مردم به سیاست هستند. دولت‌ها با جلب اعتماد مردم، اذهان عمومی را به خود متمایل نموده و فضایی توأم با همدلی به وجود می‌آورند. در عرصه کنش سیاسی نیز، این قضیه جاری و ساری است. بدین معنا که آن دولتی کارآمدتر است که وفاق اجتماعی بیشتری بین توده‌های مردم پدید آورد و بتواند از برخورد و سرکوبی جناح‌ها جلوگیری کند.



همچنین قادر باشد تنش‌های سیاسی را کاهش دهد. تا بدین طریق بتواند بحران نفوذ را که ماحصل فشار و خواست گروه‌های ذی‌نفوذ بر نخبگان حاکم است را خنثی و بی‌اثر سازد.<sup>۴۰</sup>

### (ج) بحران ادغام

ادغام سیاسی، فرایندی است که طی آن فرد در فرهنگ جامعه خود با جامعه‌ای که محیط او را تشکیل می‌دهد، ادغام شده و به‌عنوان یک بازیگر (شهروند)؛ برای نظام سیاسی درمی‌آید.<sup>۴۱</sup> بحران ادغام نیز، زمانی رخ می‌دهد که دولت در ایجاد وفاق اجتماعی وحدت فکری میان گروه‌ها، اقوام و احزاب موفق، عمل ننماید. به‌گونه‌ای که شهروندانی که در کشوری اقامت دائم دارند و مطیع قوانین آن کشور هستند، از حقوقی محروم شوند که لازمه نهادهای سیاسی دموکراتیک نوین مبتنی بر نمایندگی است. این حقوق شامل: حق رأی دادن در یک انتخابات آزاد و منصفانه برای گزینش مقامات حکومتی؛ نامزدهای انتخاباتی شدن؛ آزادی بیان؛ تشکیل و مشارکت در نهادهای سیاسی مستقل؛ دسترسی داشتن به منابع مستقل اطلاع‌رسانی و سایر اختیارات و فرصت‌هایی است که برای عمل مؤثر نهادهای سیاسی در سطح یک کشور است.<sup>۴۲</sup> از این‌رو، بهترین شیوه برای حل بحران، ادغام آن است که تا حد امکان اطمینان حاصل شود که تمام گروه‌ها با ادغام در یک گروه مردمی، در تصمیم‌سازی‌ها مشارکت و حق اظهار نظر داشته‌اند.<sup>۴۳</sup>

### (د) بحران توزیع

مطابق دیدگاه «پای»، بحران توزیع بحرانی است که به توزیع، انتشار و تمرکززدایی از قدرت در جامعه مربوط می‌شود. تمرکززدایی، راه‌کاری است که می‌تواند به تکمیل و اجرای برنامه گسترش مشارکت همگانی بینجامد. دولت با استفاده از ظرفیت تمرکززدایی

سیاسی-اداری، بخش وسیعی از اقتدارات خود را با هدف نزدیک‌تر کردن دولت به مردم و با انگیزه تسهیل، امکان ابراز مسائل و مشکلات افراد ساکن در قلمرو دولت‌های محلی، به شهروندان و صاحبان واقعی قدرت تفویض می‌نماید<sup>۴۴</sup>؛ راه‌کاری که از حاکمیت متمرکز و انباشت قدرت در بخش عمومی جلوگیری به عمل می‌آورد. این تدبیر سیاسی به سرشکن شدن و گسست از قدرت انباشته دولت به سود گروه‌های مختلف شهروندی می‌گراید<sup>۴۵</sup>. در نتیجه، دولت بارها کردن پاره‌ای از حوزه اقتدار و تصدی‌گری‌های خود بر بخش‌های مختلف، مشارکت شهروندان در اداره حوزه‌های واگذار شده را پذیرا می‌شود. با این توضیح، تمرکززدایی تدبیری کارساز به‌سوی قدرت گرفتن نهادهای غیر حاکمیتی با کارکردهای شهروندی و برون‌رفت از شرایط بحرانی خواهد بود.

### بحران نوظهور کرونا عاملی در بازتولید الگوی حکمرانی حداکثری

چنانکه یاد شد، وقوع بحران از نوع اخیر (کرونا)<sup>۴۶</sup> و ابعاد گسترده و همه‌گیری و شیوع جهانی آن، موجب بر هم خوردن مناسبات حکمرانی و ایجاد نظم نوین سیاسی-حقوقی در عرصه بین‌المللی شده و به شرایطی اضطراری<sup>۴۷</sup> در گستره جهانی انجامیده است. با توجه به تبعات و پیامدهای مدنظر در آن، بر اساس یافته‌های پژوهش، مراد از آن، چرخش از الگوی حکمرانی حداقلی به الگوی حکمرانی حداکثری است. بدین ترتیب، می‌توان استقرار الگوی دولت حداکثری را برآیند شرایطی دانست که به دلیل شرایط و پیش‌آمدهای خارج از تصور و انتظار، از یک‌سو میل به تثبیت قدرت سیاسی و تمرکز حداکثری بر گروه‌های مختلف شهروندی در بیشترین شکل ممکن نسبت به



الگوهای حکمرانی مبتنی بر محوریت شهروندان اعمال می‌گردد و از سوی دیگر، گرایش به تمرکز حداکثری بر منابع قدرت و مطالبات شهروندان نسبت به اوضاع متعارف که در آن دولت بر دخالت حداقلی و رویکرد حمایتی تأکید دارد، رو به فزونی گذارده است.<sup>۴۸</sup>

## نتیجه‌گیری

چنان‌که از ابتدا و به‌عنوان پیش‌فرض اصلی مقاله‌ی حاضر یاد شد، انتقال در قدرت سیاسی به‌مثابه‌ی گامی مهم در جریان توسعه‌یافتگی سیاسی قلمداد شده و سازوکاری اثربخش برای تحقق ارزش‌های بنیادین حقوق عمومی در جامعه و به سود شهروندان به شمار می‌آید. در تقویت نظریه‌ی گسست از قدرت باید افزود که بسیاری از مفاهیم و نظریات مبنایی در دانش حقوق عمومی، از جمله نظریه‌ی حق بنیادین مشارکت مردم در اداره‌ی امور جامعه، موکول و مشروط به تحقق این ایده‌ی مهم و تأثیرگذار است. در تأیید این مدعا، باید اذعان داشت که الگوی گسست‌پذیری قدرت در واکنش به نظریه‌ی دولت مطلقه مطرح شده و در موافقت و همراهی با نظریه‌ی دولت مشروطه رشد کرده و هر چه می‌گذرد ضرورت اجرایی ساختن آن بیشتر عیان می‌شود. از این رو، با تأکید بر آنچه پیرامون گذار از الگوی حکمرانی حداکثری در جهت استقرار الگوی حداقلی و با تأکید بر عاملیت شهروندان ارزیابی و تحلیل شد، باید اذعان داشت که وقوع بحران‌ها در هر جامعه‌ای می‌تواند تمامی آنچه را تا پیش از این عادی و ضروری تلقی می‌شد به یک‌باره کنار زده و شرایط اضطراری را برای مدیریت بهتر و کارآمدتر اوضاع حاکم سازد. در این میان به نظر می‌رسد متأثر از عالم‌گیری بحران نادر کرونا، شرایطی حاکم شد که در آن، تمایل دولت‌ها به سوی الگوهای حکمرانی مبتنی بر محوریت و حاکمیت حداکثری

دولت، دست‌کم برای کنترل مقطعی اوضاع، امری واقع‌بینانه و ناگزیر تلقی شد. باین‌وجود، بنا بر باورهای شهروندمدار و مشارکت‌پذیر باید بر این نکته تأکید کرد که اولاً: استقرار دولت حداکثری به‌طور موقت تا رفع شرایط حاد و گشوده، ادامه خواهد یافت؛ در ثانی، این امر به‌هیچ‌عنوان نافی تعهد دولت در زمینه‌ی پاسداشت و تضمین حق اصیل و بنیادین شهروندان در اداره‌ی امور کشور نخواهد بود. به‌هر حال، رعایت چنین الزاماتی موجب اتخاذ موضعی مبتکرانه و مقتدرانه توسط دولت‌ها در شرایط اضطرار و در مقام مدیریت بحران‌ها از جمله بحران همه‌گیر و جهانی کرونا، ولو در قامت دولت عامل و حداکثری و همچنین یافتن راهی جهت برون‌رفت از بحران‌ها و مخاطرات انسانی بسیاری خواهد شد.

## پی‌نوشت

1. Self Determination
2. باید اشاره داشت که جلوه‌های حق تعیین سرنوشت به لحاظ داخلی و خارجی، قابل‌بازشناسی است. برای نمونه، حق مردم در مورد مستعمرات و سرزمین‌های غیر خودمختار از جمله جلوه‌های حق تعیین سرنوشت خارجی و حق مردم در تصمیم‌گیری‌ها، از جمله جلوه‌های حق تعیین سرنوشت داخلی است. اخوان خرازیان، مهنار، تحول حق تعیین سرنوشت در چهارچوب ملل متحد، مجله حقوق، مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۲۶، ۱۳۸۶، ۱۱۲.
3. Self Government or Self Rule
4. خودفرمان کسی است که صاحب‌اختیار خویشتن است. با این تعریف جنبه افسون‌گرانه و فریبنده «تونومی» یا «خودفرمانی» را بهتر می‌توان شناخت؛ زیرا صاحب‌اختیار خویش بودن امری نادر است و دیگران را با احترام وامی‌دارد. بهتر است بگوییم کسی که از این ویژگی برخوردار است، نیرویی در اختیار دارد که دیگران را مرعوب می‌کند. به نقل از: سنت ریچارد، (۱۳۷۸)، اقتدار، باقر پرهام، نشر شیرازه، ۱۲۸-۱۲۷.
5. Human Dignity
6. Harel, Alon, (2006), Theories of Rights, the black well guide to the philosophy of law and legal theory, edited by: Martin P. Goldering and William A. Edmundson, pp. 192-193.
7. Hohfeld's task was to prevent such conceptual confusions by analyzing four different meaning of the phrase: A has a right to X in judicial reasoning. 1. (Claims Rights); 2. (Liberty Rights) Privilege / Duty; 3. Power / Disability; and 4. Immunities / Liability
8. امید، علی، (۱۳۸۷)، گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت؛ از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی برای همه، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، ۴.
9. برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: (۱) راسخ، محمد، (۱۳۸۱) حق و



مصلحت، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۵۹-۱۵۲؛ ۲) موحد، محمدعلی، (۱۳۸۲) در هوای حق و عدالت، تهران، نشر کارنامه، ۵۷-۵۴؛ ۳) خسروی، حسن، (۱۳۸۷)، حقوق انتخابات دموکراتیک، انتشارات مجد، ۷۱-۷۰؛ همچنین ۴) ویکس، ریموند، (۱۳۸۹)، فلسفه-ی حقوق، از حقوق طبیعی تا پست‌مدرنیسم، ترجمه فاطمه آبیاری، تهران، انتشارات رخداده، ۷۹-۷۶.

۱۰. رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (۱۳۹۲)، درنگی در دو مبنای حق مشارکت مردم، نشریه حقوق اساسی، سال دهم، شماره نوزده، ۱۳۲-۱۳۰.

۱۱. رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (۱۳۹۲)، درآمدی بر نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره پنجم، شماره سوم، ۶۹-۶۸.

12. Obligation of Respect  
13. Obligation of Recognize  
14. Obligation of Conduct  
15. Obligation of Protect  
16. Obligation of Fulfil

۱۷. رحمت‌الهی، حسین؛ آقامحمدآقایی، احسان؛ (۱۳۹۷)، دوره پیشرفته حقوق عمومی، مکتب حقوق طبیعی و حقوق موضوعه و آثار آن بر ساختار قدرت و حقوق عمومی، تهران، انتشارات مجد، صص ۱۳۴-۱۳۲.

18. Obligation of Means  
19. Obligation of Result

۲۰. قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۸۸) حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، درآمدی بر مباحث نظری، مفاهیم، مبانی و منابع، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش ۴۲. همچنین برای اطلاعات بیشتر ن.ک: قاری سید فاطمی، (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهایی تحلیل از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران، انتشارات شهر دانش، ۲۵۷-۲۵۶.

۲۱. بروکر، پل، رژیم‌های غیر دموکراتیک، (۱۳۸۳)، نظریه‌ها، سیاست و حکومت، علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران، انتشارات کویر، ۲۰-۱۵.

۲۲. بانک جهانی، (۱۳۸۴) نقش دولت در جهان در حال تحول، گروه مترجمان، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات بازرگانی، ۳۰۹.

23. Lord Acton: Power; corrupts and absolute Power, corrupts absolutely

۲۴. آقامحمدآقایی، احسان، (۱۳۹۲) نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۶۵-۱۶۴.

۲۵. وینسنت، اندرو، (۱۳۷۰)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ص ۱۳۵.

۲۶. گل‌محمدی، احمد، (۱۳۹۲) چیستی، تحول و چشم‌انداز دولت، تهران، نشر نی، ص ۱۸۲.

۲۸. رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، گذار از دولت مطلقه به دولت مشروطه، همان، ۲۳۱-۲۲۸.

۲۸. همان، ۲۶۰.

29. Tele Democracy/ Communication Democracy

۳۰. رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (۱۳۹۲)، درآمدی بر نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم، همان، ۱۳۶-۱۳۱.

۳۱. بوردو، ژرژ، (۱۳۷۸)، لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران، نشر نی، ۱۸۴.

۳۲. همان، ص ۱۸۶.

۳۳. رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (۱۳۹۴)، دولت شهروند

بنیاد: انگاره‌ای اخلاقی-سیاسی، در تکاپوی حقوق عمومی، تهران، انتشارات جنگل، ۳۰۲-۳۰۱.

۳۴. قراگوزلو، محمد، (۱۳۸۸)، «نظریه انحطاط از منظر سعدی و ابن‌خلدون»، مرکز سعدی‌شناسی، دفتر دوازدهم، شیراز، ص ۱۶۸.

۳۵. روحانی، حسین، (۱۳۷۹)، «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۸، ص ۱۹

۳۶. رحمت‌الهی، حسین، (۱۳۸۸) تحول قدرت، تهران، نشر میزان، ۹۶.

۳۷. پای، دلبیو، بایندر، لوسین - کلمن، لئونارد، جیمزاس، پالومبارا، وربا، سیدنی، جوزف، مایرون، وایتر، (۱۳۸۰)، توالی‌ها و بحران‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروری و دیگران، تهران، انتشارات

پژوهشکده مطالعات راهبردی.

See: Lucian W. Pye: Aspects of Political Development, pp, 25-65.

۳۸. پای و دیگران، همان، ۱۷۱ و ۴۶۰.

۳۹. نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۸۵.

۴۰. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۳)، درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۷۴

۱۰. نقیب زاده، همان.

۴۲. دال، رابرت، (۱۳۷۸)، درباره دموکراسی، حسن فشارکی، تهران، نشر شیرازه، ۱۲۳-۱۱۹.

۴۳. دانش خوشبو، یوسف، (۱۳۴۹) سازمان‌های محلی، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران. ۱۵۰.

۴۴. رضویان، محمدتقی، (۱۳۸۴)، تمرکززدایی در کشورهای درحال توسعه در ایران، تهران، نشر آشیان، صص ۲۸-۲۰.

45. Lord Acton: "Power; corrupts and absolute Power, corrupts absolutely".

46. Coronaviruses disease 2019/ COVID-19

47. Necessity Position

48. Poggi, Gianfranco, (1989), Development of the modern State, London: Hutchinson, 68-73.

## منابع

### - منابع فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام، (1383)، درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- آقامحمدآقایی، احسان، (1392)، نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- بانک جهانی، (1384)، نقش دولت در جهان در حال تحول، گروه مترجمان، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- بروکر، پل، (1384)، رژیم‌های غیر دموکراتیک (نظریه‌ها، سیاست و حکومت)، علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران، نشر کویر.
- بوردو، ژرژ، (1378)، لیبرالیسم، عبدالوهاب احمدی، تهران، نشر نی.
- پای، دلبیو و دیگران، (1380)، توالی‌ها و بحران‌ها در توسعه‌ی سیاسی، ترجمه‌ی غلامرضا خواجه سروری و دیگران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوجی، جان فرانکو، (1384)، تکوین دولت مدرن، بهزاد باشی، تهران، نشر آگه.
- خسروی، حسن، (1387)، حقوق انتخابات دموکراتیک، تهران، انتشارات مجد.
- دال، رابرت ای، (1378)، درباره‌ی دموکراسی، حسن فشارکی، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
- دانش خوشبو، یوسف، (1349)، سازمان‌های محلی، تهران، انتشارات دانشکده‌ی علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.
- راسخ، محمد (1381)، حق و مصلحت، تهران، انتشارات طرح نو.
- رحمت‌الهی، حسین، (1388)، تحول قدرت (از سپیده‌دمان تا جهانی‌شدن)، تهران، انتشارات میزان.
- رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (1395)، تأملی در مناسبات دولت و شهروند: گذار از دولت مطلقه به دولت مشروطه، تهران، انتشارات خرسندی.
- رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (1394)، دولت شهروند بنیاد: انگاره‌ی اخلاقی-سیاسی، در تکاپوی حقوق عمومی، تهران، انتشارات جنگل، 1394.

- رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (1397)، دوره پیشرفته حقوق عمومی، مکتب حقوق طبیعی و موضوعه و تأثیر آن بر ساختار قدرت و حقوق عمومی، تهران، انتشارات مجد.
- رضویان، محمدتقی، (1384)، تمرکززدایی در کشورهای در حال توسعه، تهران، نشر آشیان.
- سنت، ریچارد، (1378)، اقتدار، باقر پرهام، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
- قاری سید فاطمی، (1388)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، درآمدی بر مباحث نظری، مفاهیم، مبانی و منابع، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قاری سید فاطمی، (1388)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهایی تحلیل از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- گل‌محمدی، احمد، (1392) چیستی، تحول و چشم‌انداز دولت، تهران، نشر نی.
- موحد، محمدعلی، (1382)، در هوای حق و عدالت، تهران، نشر کارنامه.
- نقیب‌زاده احمد، (1380)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت.
- نویمان، فرانتس. (1373)، آزادی و قدرت و قانون، ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
- ویکس، ریموند، (1389)، فلسفه‌ی حقوق، از حقوق طبیعی تا پست‌مدرنیسم، ترجمه فاطمه آبیاری، تهران، انتشارات رخداد نو.
- وینسنت، اندرو. (1370)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.

#### مقالات -

- اخوان خرازیان، مهنار، (1386)، تحول حق تعیین سرنوشت در چهارچوب ملل متحد، مجله حقوق، مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره 36.
- امید، علی، (1387) گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی برای همه، فصلنامه حقوق، دوره 38.
- رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (1392)، درنگی در دو مبنای حق مشارکت شهروندان، فصلنامه حقوق اساسی، شماره نوزده، 69-68.
- رحمت‌الهی، حسین، آقامحمدآقایی، (زمستان 1392)، احسان، درآمدی بر نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره پنجم، شماره سوم، 69-68.
- روحانی، حسن، (زمستان 1379)، «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی»، فصلنامه راهبرد، شماره 18.
- قراگوزلو، محمد، (1388)، «نظریه‌ی انحطاط از منظر سعدی و ابن‌خلدون»، مرکز سعدی‌شناسی، دفتر دوازدهم، شیراز.

#### منابع خارجی -

- Harel, Alon, (2006), Theories of Rights, the black well guide to the philosophy of law and legal theory, edited by: Martin P. Goldering and William A. Edmundson, pp. 192-193.
- Poggi, Gianfranco, (1989), Development of the modern State, London: Hutchinson,
- Pye Lucian.W. (1966), Aspects of Political Development, Boston University.

